

The Policy of White Torture from Legal Recognition to Criminal Counteraction (Study in Iranian Criminal Law and International Documents)

Mehran Bahman¹

Received: 28 April 2023

Seyed Abbas Jazaeri²

Morteza Sadeghi Deh Sahraei³

Reception: 29 July 2023

Abstract

This article examines "white torture" in the Iranian legal system and its compliance with international human rights documents. White torture, as a type of psychological torture, includes non-physical measures and the application of sensory and psychological deprivations that, despite the absence of physical effects, place the individual under severe psychological pressure. Examples of white torture take the form of long-term solitary confinement, deprivation of contact with others, and insinuation or intimidation techniques. This article first defines the concept of white torture and then, citing the principles of the Iranian Constitution and some of the Iranian criminal laws, evaluates the status of criminalization and criminal policy in Iran in dealing with this phenomenon. The results showed that despite the stipulation of Article 38 of the Iranian Constitution on the prohibition of any torture to obtain a confession, no specific law has yet been formulated to prohibit and criminalize white torture in the Iranian legal system. This legal vacuum in criminal laws and procedural rules, especially in the interrogation and treatment of defendants, has resulted in the failure to effectively control extrajudicial killings and to protect the rights of defendants from inhuman and degrading treatment. A comparative analysis of Iranian laws and international documents shows that fundamental legislative reforms are needed to complete and improve Iranian criminal laws and prevent extrajudicial killings.

Keywords: International documents, solitary confinement, human rights, Iranian criminal law, white torture.

¹ PhD student in Criminal Law and Criminology, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

² Assistant Professor, Law Department, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran: (Corresponding Author)

³ Assistant Professor, Law Department, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.494640.1176>

سیاست شکنجه سفید از شناسایی حقوقی تا مقابله کیفری

(مطالعه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی)

مهران بهمن^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

سید عباس جزائری^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷

مرتضی صادقی ده صحرائی^۳

چکیده

این نوشتار به بررسی "شکنجه سفید" در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی حقوق بشری می‌پردازد. شکنجه سفید به عنوان نوعی شکنجه روانی، شامل اقدامات غیرفیزیکی و اعمال محرومیت‌های حسی و روانی است که به‌رغم نبود آثار جسمانی، فرد را تحت فشار شدید روانی قرار می‌دهد. نمونه‌های شکنجه سفید در قالب‌هایی مانند حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت از تماس با دیگران و تکنیک‌های تلقینی یا ارعابی صورت می‌گیرد. این مقاله ابتدا مفهوم شکنجه سفید را تعریف کرده و سپس با استناد به اصول قانون اساسی و برخی قوانین کیفری ایران، وضعیت جرم‌انگاری و سیاست کیفری ایران در مقابله با این پدیده را ارزیابی می‌کند. نتایج نشان داد که علی‌رغم تصریح اصل ۳۸ قانون اساسی ایران بر ممنوعیت هرگونه شکنجه برای کسب اقرار، هنوز قانون مشخصی برای منع و جرم‌انگاری شکنجه سفید در نظام حقوقی ایران تدوین نشده است. این خلأ قانونی در قوانین کیفری و آیین دادرسی، به‌ویژه در مرحله بازجویی و برخورد با متهمان، موجب شده که شکنجه سفید به‌طور مؤثر کنترل نشود و حقوق متهمان در برابر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز محافظت نگردد. تحلیل تطبیقی میان قوانین ایران و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که برای تکمیل و ارتقای حقوق کیفری ایران و جلوگیری از شکنجه سفید، نیاز به اصلاحاتی بنیادین در قانون‌گذاری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اسناد بین‌المللی، حبس انفرادی، حقوق بشر، حقوق کیفری ایران، شکنجه سفید.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران: (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

شکنجه، به‌عنوان یکی از شدیدترین موارد نقض حقوق بشر، همواره از چالش‌های اساسی در نظام‌های حقوقی و سیاسی بوده است. این پدیده که به‌طور تاریخی به‌عنوان ابزاری برای مجازات، بازجویی یا کنترل اجتماعی به کار گرفته شده، در اسناد حقوق بشری بین‌المللی به‌شدت محکوم شده و ممنوعیت آن به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر شناخته شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۵ خود تصریح می‌کند که «هیچ‌کس نباید مورد شکنجه یا رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد»، و این اصل به‌عنوان سنگ بنای بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بعدی نقش اساسی ایفا کرده است. اما در کنار انواع شناخته‌شده شکنجه، پدیده‌ای که به «شکنجه سفید» معروف است، به‌عنوان یک ابزار پیچیده‌تر و اغلب نامرئی‌تر، توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است (ساعدیان، ۱۳۸۸).

مبنای شناسایی حقوقی شکنجه سفید به‌عنوان یک رفتار نقض‌کننده حقوق و امتیازات مسلم متهمان در فرایند دادرسی کیفری، در نظرگاه حقوقدانان و اندیشه ورزان متفاوت است. برخی، این مبنا را اخلاق پنداشته و معتقدند اخلاق فردی و جمعی حکم می‌کند که شکنجه سفید، جرم و مستوجب مجازات باشد و نه اینکه به صرف محاکمه متهمان، مهر تأیید بر هر رفتاری نسبت به وی زده شود. برخی دیگر، حقوق طبیعی یا فطری را مبنای شناسایی آن می‌دانند و گفته‌اند وقتی حقوق طبیعی و فطری انسان‌ها بماهو انسان و به‌طور کلی شناسایی شد، نسبت به متهمان، به صورت خاص نیز حقوق و امتیازات خاصی به‌عنوان متهمی که اینک در اختیار دولت و مراجع قضایی است و موضوع دادرسی کیفری قرار گرفته، مجری خواهد بود. و برخی دیگر، در نهایت، با دیدگاهی ابزارگرایانه و تکنیکال، سعی داشته‌اند شکنجه سفید را در کسوت نقض موازین دادرسی عادلانه که مقامات قضایی برای برگزاری آن، از ابزارها و روش‌های مختلف برای محاکمه متهمان برخوردار هستند و شکنجه سفید، به هر شکل و سیاقش، این ابزارها و روش‌ها را از حیز انتفاع ساقط می‌کند، درک کنند.

شکنجه سفید، برخلاف شکنجه‌های فیزیکی، تأثیرات خود را از طریق آسیب‌های روانی عمیق و ماندگار اعمال می‌کند (حمزه شلمزاری و جزایری، ۱۴۰۰). این نوع شکنجه اغلب شامل روش‌هایی چون حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت حسی یا خواب، و ایجاد شرایطی است که فرد را به انزوای اجتماعی و نابودی شخصیت سوق می‌دهد. اگرچه این روش‌ها به ظاهر کمتر خشن و بی‌رحمانه به نظر می‌رسند، اما تأثیرات آن‌ها می‌تواند بسیار مخرب‌تر از آسیب‌های جسمی باشد. قربانیان شکنجه سفید اغلب با مشکلات روانی مانند اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی شدید، و از دست دادن هویت اجتماعی دست‌وپنجه نرم

می‌کنند. این ویژگی‌های ناملموس شکنجه سفید باعث شده است که در بسیاری از موارد، شناسایی و محکومیت آن به‌عنوان شکنجه، با دشواری‌های حقوقی و اجرایی مواجه شود.

در سطح بین‌المللی، ممنوعیت شکنجه به‌عنوان یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل عمومی شناخته می‌شود؛ قاعده‌ای که تخلف از آن حتی در شرایط جنگی یا وضعیت اضطراری نیز جایز نیست. این اصل در اسناد مهمی مانند کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) و کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه (۱۹۸۴) تصریح شده است (ماسفلد^۱، ۲۰۰۹). در ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه آمده است که «هیچ شرایط استثنایی، اعم از وضعیت جنگی یا تهدید جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی یا هر وضعیت اضطراری عمومی دیگر، نمی‌تواند بهانه‌ای برای توجیه شکنجه باشد». با این حال، تفاسیر محدود و اغلب محافظه‌کارانه از این اسناد، باعث شده است که شکنجه سفید به‌طور رسمی در بسیاری از موارد به رسمیت شناخته نشود. به‌ویژه در مواردی که آثار آن ملموس و قابل مشاهده نیستند.

تاریخچه تلاش برای منع شکنجه نشان‌دهنده تحولات عمیقی در رویکرد جوامع بشری نسبت به کرامت انسانی است. در گذشته، شکنجه به‌عنوان یک ابزار مشروع برای اجرای عدالت یا حفظ امنیت اجتماعی تلقی می‌شد. اما با ظهور جنبش‌های حقوق بشری در قرن هجدهم و نوزدهم، رویکردهای جهانی به سمت نفی شکنجه و تأکید بر کرامت و شأن انسانی تغییر یافت. این تغییرات، با تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و سایر معاهدات بین‌المللی، به‌طور رسمی به قوانین بین‌المللی راه یافت. در این میان، شکنجه سفید به‌عنوان یکی از اشکال جدید و پنهان نقض حقوق بشر، نیازمند بررسی دقیق‌تری است. یکی از چالش‌های اساسی در زمینه شکنجه سفید، تعریف و تمایز آن از سایر اشکال رفتارهای غیر انسانی است. در پرونده ایرلند علیه انگلستان در سال ۱۹۷۸، دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی پنج روش بازجویی شامل محرومیت از خواب، محرومیت غذایی، و مواجهه با سر و صدای بلند پرداخت. اگرچه این روش‌ها به‌طور سیستماتیک اجرا شده و منجر به آسیب‌های روانی جدی برای قربانیان شده بود، دیوان اعلام کرد که این روش‌ها به آستانه تعریف شکنجه نرسیده و در دسته رفتارهای غیر انسانی قرار می‌گیرند. این پرونده نمونه‌ای از دشواری‌های حقوقی در تعریف شکنجه سفید و ارائه شواهد قابل قبول در دادگاه‌های بین‌المللی است.

علاوه بر چالش‌های تعریف، اجرای مؤثر قوانین ممنوعیت شکنجه نیز با موانع جدی روبه‌رو است. بسیاری از دولت‌ها، به‌ویژه در شرایط بحرانی، تمایل دارند

^۱ Mausfeld

از استثنائاتی مانند امنیت ملی یا مبارزه با تروریسم برای توجیه اقدامات خود استفاده کنند. این رویکرد، نه تنها به تضعیف اصول حقوق بشر منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز افزایش موارد شکنجه سفید به‌عنوان یک ابزار مؤثر و نامرئی برای کنترل و سرکوب مخالفان است. به گفته نوواک و مک‌آرتور^۱ (۲۰۰۸)، این استدلال‌ها غالباً به ایجاد گریزگاه‌های قانونی برای اعمال شکنجه سفید منجر می‌شوند.

از سوی دیگر، تأثیرات روانی شکنجه سفید نشان‌دهنده پیچیدگی‌های این نوع رفتار غیر انسانی است (ریشتر-مونپتیت

۲، ۲۰۱۴) برخلاف شکنجه‌های فیزیکی که اثرات آن‌ها معمولاً به وضوح قابل مشاهده و مستندسازی هستند، آسیب‌های روانی ناشی از شکنجه سفید اغلب در طولانی‌مدت ظاهر می‌شوند و مستلزم بررسی‌های علمی و پزشکی دقیق هستند (کمپبل^۳، ۲۰۰۷). قربانیان شکنجه سفید اغلب با مشکلاتی نظیر انزوای اجتماعی، اختلالات روانی، و از دست دادن حس هویت مواجه می‌شوند. این مشکلات، نه تنها زندگی فردی قربانیان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه می‌توانند پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای نیز به همراه داشته باشند (بک و تولنای^۴، ۲۰۱۹).

نقش نهادهای بین‌المللی در شناسایی و پیگیری موارد شکنجه سفید نیز حائز اهمیت است. کمیته منع شکنجه سازمان ملل و دیوان اروپایی حقوق بشر، از جمله نهادهایی هستند که در تلاش برای تقویت اجرای قوانین ممنوعیت شکنجه و رسیدگی به شکایات قربانیان نقش کلیدی ایفا می‌کنند (دی وک^۵، ۲۰۱۶). این نهادها، با ارائه تفاسیر جدید از قوانین موجود و بررسی پرونده‌های مرتبط، تلاش می‌کنند تا خلأهای حقوقی در برخورد با شکنجه سفید را برطرف کنند. با این حال، همکاری محدود برخی دولت‌ها و مقاومت آن‌ها در اجرای تعهدات بین‌المللی، اثربخشی این تلاش‌ها را کاهش داده است.

در نهایت، شکنجه سفید به‌عنوان یکی از اشکال مدرن و پیچیده نقض حقوق بشر، نیازمند توجه و بررسی جدی‌تر است. درک کامل از ابعاد این پدیده و تدوین راهکارهای مناسب برای پیشگیری و مقابله با آن، مستلزم همکاری میان دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و جامعه مدنی است. این مقاله با هدف تحلیل جامع رویکرد اسناد بین‌المللی نسبت به شکنجه سفید و بررسی چالش‌های اجرایی مرتبط با آن تدوین شده است و در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای تقویت نظام حقوقی موجود در این زمینه می‌پردازد.

^۱ Nowak & McArthur

^۲ Richter-Montpetit

^۳ Campbell

^۴ Beck and Tolnay

^۵ De Weck

۲- رویکرد اسناد بین المللی در مورد شکنجه سفید

شکنجه، به عنوان یکی از جدی ترین موارد نقض حقوق بشر، در اسناد بین المللی به عنوان قاعده ای مطلق شناخته می شود که تحت هیچ شرایطی، از جمله جنگ، بی ثباتی سیاسی یا وضعیت اضطراری، قابل توجیه نیست (باؤللو^۱، ۲۰۱۷؛ کلايمن^۲، ۱۹۷۸). این ممنوعیت مطلق که در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، و کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) آمده است، به صراحت تأکید می کند که هیچ کس نباید مورد شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی، تحقیرآمیز یا ظالمانه قرار گیرد. این اصل نه تنها یک هنجار اخلاقی، بلکه یک قاعده آمره حقوق بین الملل است که تخلف از آن مجاز نیست و دولت ها موظف به پیشگیری، پیگیری و مجازات موارد نقض هستند.

ماهیت مطلق این ممنوعیت، حاصل تجربیات تاریخی از جمله جنگ ها و جنایات علیه بشریت است. کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) برای اولین بار تعریف دقیقی از شکنجه ارائه کرد و آن را به اعمالی که درد و رنج شدید جسمی یا روانی را به صورت عمدی و هدفمند ایجاد می کنند محدود کرد. این تعریف نه تنها شامل درد و رنج جسمی بلکه آسیب های روانی جدی ناشی از رفتارهای غیرانسانی را نیز در بر می گیرد. کنوانسیون همچنین دولت ها را به اتخاذ تدابیر قانونی، قضایی و اداری برای منع و مجازات شکنجه ملزم کرده و بر اصل صلاحیت جهانی تأکید دارد تا اطمینان حاصل شود مرتکبان تحت هر شرایطی پاسخگو باشند.

در نظام حقوق بشر، شکنجه به عنوان نقض کرامت انسانی، نقض ناپذیر و غیرقابل تعلیق شناخته می شود. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) و آراء دیوان اروپایی حقوق بشر، این ممنوعیت را به عنوان یک اصل بنیادین در جوامع دموکراتیک معرفی کرده اند (دریپر^۳، ۱۹۸۹). پرونده هایی مانند ایرلند علیه انگلستان نشان می دهد که دیوان برای تمایز بین شکنجه و رفتار غیرانسانی، به آستانه ای از شدت درد و رنج توجه کرده است، هر چند این معیارها ممکن است باعث پیچیدگی در شناسایی موارد شکنجه روانی شوند.

شکنجه روانی یا سفید، نوعی از شکنجه است که به جای آسیب جسمی، تأثیرات مخرب روانی و اجتماعی شدیدی بر قربانیان می گذارد. روش هایی مانند حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت حسی، یا محرومیت از خواب، ابزارهای این نوع شکنجه هستند (لیچ^۴، ۲۰۱۶). در بسیاری از موارد، تأثیرات این روش ها از آسیب های جسمی شدیدتر است. برای مثال، در پرونده ایرلند علیه انگلستان، دیوان اروپایی تأکید کرد که روش هایی مانند محرومیت از خواب و غذا یا قرار

¹ Baolu

² Klayman

³ Draper

⁴ Leach

گرفتن در معرض صدای بلند، اگرچه غیرانسانی‌اند، به آستانه شدت لازم برای تعریف شکنجه نمی‌رسند. این امر چالش بزرگی برای مقابله مؤثر با شکنجه سفید ایجاد کرده است.

اسناد حقوق بشر دوستانه، مانند کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹)، نیز شکنجه را به‌عنوان نقض آشکار حقوق بشر ممنوع کرده‌اند. ماده ۳ مشترک این کنوانسیون‌ها، شکنجه و رفتار غیرانسانی را در تمام شرایط از جمله جنگ و درگیری‌های مسلحانه داخلی یا بین‌المللی، غیرقانونی می‌داند. این مقررات، گستره وسیعی از اعمال، از جمله آزارهای جسمی و روانی، را شامل می‌شوند و تلاش می‌کنند تا از قربانیان جنگ و درگیری‌های مسلحانه محافظت کنند.

در سطح منطقه‌ای، کنوانسیون بین‌آمریکایی پیشگیری و مجازات شکنجه (۱۹۸۵) تعریفی گسترده‌تر از شکنجه ارائه می‌دهد که شامل کاهش شخصیت قربانی یا تخریب توانایی‌های جسمی و روانی او می‌شود، حتی اگر این اعمال منجر به درد جسمی یا رنج روانی نشود. این رویکرد، شکنجه سفید را به‌وضوح به‌عنوان یکی از مصادیق شکنجه به رسمیت می‌شناسد. به‌طور مشابه، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱) و اصول مشابه دیگر، احترام به کرامت انسانی و منع اعمال شکنجه و رفتار غیرانسانی را تضمین کرده‌اند.

اسناد غیرالزام‌آور بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و قواعد حداقلی رفتار با زندانیان (۱۹۵۵ و ۲۰۱۵)، اصولی را برای رفتار انسانی با زندانیان تدوین کرده‌اند. این اسناد تأکید دارند که هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد، حتی در شرایط اضطراری. قواعد نلسون ماندلا (۲۰۱۵)، که نسخه بازبینی‌شده قواعد حداقلی هستند، بر کرامت انسانی و ایمنی زندانیان تأکید بیشتری دارند.

علاوه بر این، اسنادی نظیر نظام‌نامه رفتار مأموران اجرای قانون (۱۹۷۹) و اصول اخلاق پزشکی (۱۹۸۲)، نقش مقامات دولتی و کادر پزشکی در حمایت از زندانیان و جلوگیری از اعمال شکنجه را برجسته کرده‌اند. این اسناد، مشارکت فعال یا منفعل در شکنجه را نقض اخلاق حرفه‌ای و حقوق بین‌الملل می‌دانند و مسئولیت‌های بیشتری را برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ها بر عهده آن‌ها می‌گذارند.

با وجود ممنوعیت‌های گسترده، شکنجه همچنان به‌صورت رسمی یا غیررسمی در برخی کشورها اعمال می‌شود. چالش‌های اصلی در مقابله با این نقض آشکار حقوق بشر شامل تعاریف محدود شکنجه در قوانین ملی، ضعف در اجرای اسناد بین‌المللی، و مقاومت دولت‌ها در پذیرش مسئولیت است. برای مثال، در کشورهایی مانند مصر، شکنجه اغلب در بازداشتگاه‌های مخفی و بدون نظارت قانونی رخ می‌دهد. گزارش‌های متعدد نشان داده‌اند که ناپدیدسازی اجباری،

حبس انفرادی، و سایر روش‌های غیرانسانی، به‌عنوان ابزارهایی برای سرکوب سیاسی و اجتماعی به کار می‌روند.

در نهایت، ممنوعیت مطلق شکنجه و تلاش‌های بین‌المللی برای پیشگیری از آن، گامی بزرگ در جهت حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از نقض حقوق بشر است. با این حال، شکاف‌های موجود در تعریف، شناسایی، و اجرای قوانین ضدشکنجه، ضرورت اقدامات مؤثرتر در سطح ملی و بین‌المللی را نشان می‌دهد. تدوین تعریف‌های جامع‌تر از شکنجه سفید، تقویت نهادهای نظارتی، و آموزش مقامات مسئول از جمله راهکارهای مهم در این زمینه هستند.

۳- شناسایی فقهی حقوقی شکنجه سفید در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

شکنجه سفید نوعی از شکنجه روانی است که برخلاف شکنجه جسمی، بدون وارد آوردن صدمات بدنی مستقیم، بر ذهن و روح فرد تاثیر می‌گذارد و شامل رفتارهایی نظیر حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت از خواب، اعمال فشار روانی یا ایجاد محیط‌های آزاردهنده است. در این روش، فرد ممکن است بدون هیچ زخم فیزیکی مشخصی تحت فشار روحی شدید قرار گیرد و به لحاظ روانی تخریب شود. شکنجه سفید به عنوان یکی از مخرب‌ترین اشکال نقض حقوق بشر، نیازمند توجه ویژه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. با وجود ممنوعیت مطلق شکنجه در اصل ۳۸ قانون اساسی، نواقص قانونی و اجرایی موجود باعث شده که شکنجه سفید به طور کامل مورد جرم‌انگاری قرار نگیرد. تدوین قوانین جامع‌تر، تقویت ضمانت اجرا و آموزش مسئولان، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش این نوع شکنجه و حفظ کرامت انسانی در نظام قضایی ایران داشته باشد.

۳-۱- ممنوعیت شکنجه در اسلام

دین اسلام با توجه به توصیه‌های اخلاقی همواره به دوری از شکنجه و مبارزه با ریشه‌های توسل به آن مسلمین را تشویق و ترغیب کرده است به همین جهت مجازات و شکنجه متهم را مطرود خوانده و اقرار و شهادت ناشی از آن را فاقد اثر دانسته است. قرآن کریم به عنوان اولین سند هرگونه ظلم و ستم را نه تنها به خود بلکه به دیگران روا ندانسته و مومنین را به رعایت حدود الهی امر کرده است و هر اقدامی که خارج از مرزهای شریعت مقدس اسلام و شارع مقدس باشد را به رسمیت نشناخته و آن را موجب کیفر دانسته است. حقوق کیفری اسلام بر مبنای احترام به کرامت و شرافت انسان اعمال هرگونه اذیت و ایذاء نسبت به انسان را نکوهش کرده است و آن را بدون هیچ قید و شرطی حرام

دانسته است؛ مفهوم ممنوعیت ایذاء در مکتب اسلام بسیار گسترده تر از مفاهیم حقوقی شکنجه در حقوق کیفری نوین است. شکنجه در فقه مفهومی عام دارد و هرگاه بحث از تحریم آزار و اذیت دیگران شده است این بحث مفهوم گسترده ای را در بر گرفته و هرگونه ایذاء نسبت به اشخاص را شامل شده است.

اسلام دین کرامت انسانی و عدالت است و شکنجه را در همه اشکال آن مطلقاً ممنوع دانسته است. آموزه‌های اسلامی بر حرمت هرگونه اذیت و آزار جسمی و روحی تاکید دارند. قرآن کریم در آیاتی چون "لَا تُكْرَهُوا فِي الدِّينِ" (سوره بقره، آیه ۲۵۶) و "الْمُؤْمِنُ كَرِيمٌ" بر آزادی و کرامت انسان تاکید کرده است. همچنین روایات متعددی از معصومین (علیهم‌السلام) وجود دارند که شکنجه و تعذیب انسان‌ها را به شدت نکوهش کرده‌اند.

شکنجه نه تنها در شریعت اسلام بلکه در اصول اخلاقی نیز امری مذموم و ناپسند است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم همواره بر رفتار عادلانه و مهربانانه با دیگران تاکید داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی، رعایت حقوق بشر و منع ظلم و ستم است. در فقه اسلامی نیز هرگونه عملی که موجب آزار و اذیت غیرضروری دیگران شود، گناه و جرم محسوب می‌شود.

در نهایت، ممنوعیت شکنجه در اسلام نه تنها به حفظ کرامت انسانی بلکه به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و اخلاقی کمک می‌کند. این اصل نشان می‌دهد که اسلام با هرگونه رفتار غیرانسانی که موجب تحقیر و تضعیف شخصیت افراد شود، مخالف است.

۱-۱-۳- جایگاه فقهی شکنجه

تمام اوامر الهی حول محور عدالت استوار است. خداوند نه در تشریح و نه در تکوین هرگز ظلم روا نداشته است حتی اراده ظلم هم نکرده است. شکنجه و ایذاء دیگران از مصادیق بارز ظلم و تعدی و نقض عدالت است و هر امری که ناقض این اصل باشد در اسلام ممنوع شده است. شکنجه و بد رفتاری و هر عملی که منجر به ظلم به دیگری شود مورد نکوهش شریعت مقدس اسلام است. هرگونه تعدی، تجاوز، تعذیب، ایذاء، اهانت، تحقیر، استخفاف و اضرار بدون سبب به غیر که باعث اذیت و آزار روحی و جسمی شود در اسلام مطلقاً حرام و مرتکب آن مستحق مجازات دانسته شده است. نگاه اسلام به مبانی ممنوعیت شکنجه معنای موسع آن را در بر می‌گیرد شاید به همین دلیل است که ضرورتی برای تعریف شکنجه در نظام حقوقی اسلام دیده نشده است؛ منابع اسلامی به روشنی بر تحریم تعذیب و شکنجه دلالت دارند (حمزه، ۱۳۸۷).

به نظر می‌رسد که رویکرد غالب فقها در مسئله شکنجه بر ممنوعیت مطلق آن تاکید دارد به این معنا که شکنجه تحت هیچ شرایطی مجاز نمی‌باشد و ممنوعیت

مطلق آن در زمره حقوق اشخاص است که هیچ گونه استثنایی نخواهد داشت بر این اساس شکنجه انسان حتی آنجایی که کشف جرایم مهم معلق بر آن باشد یا مواردی که مصلحتی از مصالح حکومت در گرو آن باشد مجاز نخواهد بود. در جایی که شخصی در مظان اتهام به ارتکاب جرم است یا دلیلی مبنی بر ارتکاب عمل که برای آن عمل در شرع مجازات تعیین شده وجود داشته باشد در این صورت اتهام و یا ظن بر ارتکاب جرم مجوزی بر شکنجه فرد به منظور اخذ اقرار و اثبات جرم نخواهد بود چنین عملی (ایذاء و آزار) طبق موازین شرعی ناقض اصل عدالت و حرام شرعی است.

شکنجه در فقه اسلامی، چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی، به طور کلی مصداقی از ظلم و تعدی تلقی می‌شود و بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین، مطلقاً حرام است. منابع فقهی با استناد به اصل حرمت ایذاء و قاعده کرامت انسانی، هرگونه آزار و اذیت انسان‌ها را، حتی به قصد اخذ اقرار یا کسب اطلاعات، ممنوع اعلام کرده‌اند. این ممنوعیت از آیات متعددی در قرآن مانند "لا اکراه فی الدین" (بقره: ۲۵۶) و روایاتی که اقرار ناشی از اکراه را فاقد اعتبار دانسته‌اند، به روشنی استنباط می‌شود. فقها همچنین با استناد به قواعدی چون "اصاله الحرمة فی الدماء" و "اصل براءة"، شکنجه را عملی قبیح و غیر شرعی می‌دانند.

با وجود این، برخی دیدگاه‌های اقلیت در فقه، در شرایطی مانند حفظ مصالح عمومی یا دفع ضررهای بزرگ‌تر، اعمال محدود شکنجه را جایز دانسته‌اند، اما این دیدگاه‌ها به دلیل تعارض با اصول بنیادین کرامت انسانی و عدالت الهی، کمتر مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. در مجموع، نگاه غالب در فقه اسلامی بر ممنوعیت مطلق شکنجه تأکید دارد و آن را مغایر با اهداف دین مبین اسلام، که تأمین عدالت و حفظ کرامت انسانی است، می‌داند. فقها در بررسی حکم شکنجه بر دو نظریه تأکید دارند:

۱. نظریه حرمت مطلق شکنجه

- بر اساس این نظریه، شکنجه به عنوان یکی از مصادیق ایذاء، مطلقاً حرام است.
- این نظریه بر اصولی مانند اصل کرامت انسانی، اصل براءة و اصل نفی سلطه استوار است.
- مطابق این دیدگاه، حتی در موارد اضطرار یا مصلحت عمومی، شکنجه قابل توجیه نیست.

۲. نظریه جواز شکنجه تحت شرایط خاص

- برخی از فقها به جواز شکنجه در شرایط خاص مانند حفظ امنیت ملی یا کشف جرایم مهم قائل شده‌اند.

- این نظریه بر قواعدی مانند قاعده تراحم (تقدیم اهم بر مهم) و قاعده دفع افسد به فاسد استوار است.
- مخالفان این نظریه تأکید دارند که تجویز شکنجه حتی در موارد استثنایی، زمینه‌ساز سوءاستفاده و نقض گسترده حقوق بشر خواهد بود.

۲-۳- بررسی قوانین داخلی ایران

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شکنجه به طور صریح در اصل ۳۸ قانون اساسی ممنوع شده است. این اصل هرگونه شکنجه برای اخذ اقرار یا کسب اطلاعات را غیرقانونی دانسته و تأکید کرده که چنین اقراری فاقد ارزش و اعتبار است. همچنین، متخلفان از این اصل مشمول مجازات خواهند شد. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز اعمال اذیت و آزار بدنی به منظور اخذ اقرار را جرم‌انگاری کرده و مجازات‌هایی همچون حبس برای مرتکبان در نظر گرفته است. علاوه بر این، قوانینی همچون آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، شکنجه‌های جسمی و روحی را در فرایندهای قضایی و بازجویی ممنوع اعلام کرده‌اند. با این حال، قوانین موجود در جرم‌انگاری شکنجه روحی و تعیین ضمانت اجرای مؤثر برای آن دارای کاستی‌هایی هستند که سبب شده تمامی اشکال شکنجه به‌طور جامع تحت حمایت کیفری قرار نگیرند. عدم وجود تعریف دقیق از شکنجه سفید از سوی قانونگذار سبب شده است مشکلاتی در فهم و استنباط این پدیده بوجود آید، در حالی که با ارائه یک تعریف جامع و مانع به روشن شدن حدود و ثغور این مسئله که با حقوق اجتماعی و آزادی‌های انسان بیش از سایر شاخه‌های حقوق سر و کار دارد خاتمه داده می‌شود. لذا به جهت ضرورت این مسئله و اهمیت تعریف آن ناگزیر رجوع به دکترین حقوق به عنوان یکی از منابع حقوقی خواهیم بود.

۱-۲-۳- اصل ۳۸ قانون اساسی

این اصل مهم‌ترین مرجع حقوقی در منع شکنجه است و مقرر می‌دارد:
 "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود".

• تحلیل اصل ۳۸

- اصل ۳۸ شامل منع مطلق هر نوع شکنجه، اعم از جسمی و روحی است.
- عبارت "هرگونه شکنجه" نشان‌دهنده اطلاق این اصل است.

- این اصل همچنین با بی‌اعتبار کردن اقرارهای ناشی از شکنجه، به گونه‌ای پیشگیرانه عمل کرده است.

۲-۲-۳- ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

مهمترین مقرر قانونی در رابطه با جرم انگاری شکنجه را می‌توان در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات یافت، که به تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی اختصاص دارد به نظر می‌رسد این ماده ضمانت اجرای بخشی از اصل ۳۸ قانون اساسی است که صرفاً به اذیت و آزار بدنی و اخذ اقرار اشاره کرده است. از دقت در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود مقنن تکالیفی که قانون اساسی بر عهده او قرار داده بود را محقق نساخته است، زیرا این ماده صرفاً به جرم انگاری اذیت و آزار بدنی متهم و به منظور کسب اقرار اشاره دارد و موارد شکنجه روحی از قبیل تهدید، بی‌خوابی، سر پا نگه داشتن بیش از حد، حبس انفرادی طولانی مدت، ایجاد صداهای دلخراش و مخرب روحی که همه مصادیقی از شکنجه روحی هستند بر اساس این ماده قابل جرم انگاری نخواهند بود. در حالی که قانون اساسی شکنجه را اعم از جسمی و روحی و به صورت مطلق ممنوع کرده است. آنچه در قانون اساسی در مورد شکنجه بیان شده است با آنچه در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) آمده است فاصله بسیاری دارد. آنچه در این مقرر قانونی آمده است ممنوعیت شکنجه بدنی (جسمی) است و به مقوله شکنجه روحی ورود نکرده است از این رو نمی‌توان این ماده را عنصر قانونی جرم شکنجه روانی دانست. این ماده تصریح دارد:

"هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد".

• نقد ماده ۵۷۸

- این ماده تنها به شکنجه جسمی اشاره دارد و از شکنجه‌های روانی غفلت کرده است.
- عدم شمول شکنجه‌های روانی، زمینه‌ساز نواقص قانونی در برخورد با شکنجه سفید است.

۳-۲-۳- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳)

در سال ۱۳۸۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب مجلس رسید که تماماً به رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی در فرآیند دادرسی توجه دارد در بند های ۹، ۷، ۶، ۱ این قانون شکنجه ممنوع و اعلام می‌دارد و هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا

اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده فاقد حجیت شرعی و قانونی است. در بند های ۶ و ۷ این قانون مصادیق شکنجه روحی (شکنجه سفید) بیان شده است و از وحدت ملاک این بندها می توان استفاده کرد و هر گونه شکنجه روحی را ممنوع دانست. این قانون به مواردی از شکنجه سفید اشاره کرده و برخی از مصادیق آن را ممنوع کرده است، از جمله:

- بستن چشم یا سایر اعضای بدن در بازجویی.
- تحقیر و استخفاف متهم در جریان بازجویی.
- نگهداری متهم در سلول انفرادی.
- **نقد قانون:**

این قانون بیشتر جنبه ارشادی دارد و ضمانت اجرای کافی برای نقض آن پیش‌بینی نشده است.

۴-۲-۳- قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)

در رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مورد حقوق دفاعی متهم نه تنها پرسیدن سوال‌های القایی که اراده فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد ممنوع شده است بلکه در مواردی هم که متهمان با وعده‌های واهی پلیس و به منظور رهایی از فشار روانی بازجویی مطالب خلاف واقع بیان می‌کنند را نیز از مواردی قلمداد کرده است که سلامت بازجویی و صحت اظهارات متهم را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر ضرورت اجتناب از آن تاکید شده است. در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است در بازجویی‌ها طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است این ماده نه تنها بر ممنوعیت این رفتارها تاکید دارد بلکه در ادامه و در حمایت از حقوق متهمان در نقض اعتبار پاسخ این سوالات گفته شده اظهارات متهم در پاسخ به سوالات معتبر نیست در ماده ۱۹۵ نیز بر ممنوعیت پرسش سوالات تلقینی در موردی که بازپرس بازجویی می‌کند اشاره دارد. اکراه و اجبار متهم در پاسخ به پرسش‌ها در بازجویی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق دفاعی متهمان است. اکراه متهمان برای اخذ اقرار از طریق اعمال شکنجه‌های جسمی و روحی صورت می‌پذیرد از آنجایی که مهمترین هدف در بازجویی‌ها کسب اطلاعات مرتبط با جرم است کارگزاران نظام عدالت کیفری ساده‌ترین راه در کمترین زمان ممکن را برگزیده و با اقدامات غیر قانونی از جمله شکنجه مبادرت به اخذ اطلاعات می‌کنند. بر اساس ماده ۶۰ این قانون:

"طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و همچنین سوالات خارج از موضوع اتهام در بازجویی ممنوع است".

- **تحلیل ماده ۶۰**

- این ماده از طرح سوالات تلقینی و اغفال‌کننده که می‌تواند زمینه‌ساز شکنجه روانی باشد، جلوگیری می‌کند.
- این رویکرد می‌تواند به کاهش شکنجه‌های روحی و روانی کمک کند، اما نیازمند ضمانت اجرایی قوی‌تری است.

۵-۲-۳- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها (۱۴۰۰)

در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با استناد به سند تحول قضایی مصوب ۱۳۹۹، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰، در ماده ۱۰۸ تحت عنوان "حقوق زندانیان"، هرگونه ارتکاب رفتارهای سوء، از جمله تندخویی، گفتار و رفتار موهن، و هرگونه آزار یا شکنجه روانی و جسمی توسط کارکنان مؤسسه نسبت به زندانیان را به‌طور مطلق ممنوع اعلام کرده است. بر اساس این ماده، ارتکاب چنین اعمالی حسب مورد، می‌تواند منجر به پیگرد انضباطی، انتظامی یا کیفری فرد متخلف شود.

- ماده ۱۰۸ این آیین‌نامه، هرگونه آزار و شکنجه جسمی و روانی زندانیان را ممنوع کرده است.
- این آیین‌نامه همچنین حبس انفرادی را در برخی موارد خاص تجویز کرده است، اما تأکید دارد که مدت آن نباید از ۱۵ روز تجاوز کند.
- **نقد آیین‌نامه:**
 - حبس انفرادی، به‌ویژه در مدت‌های طولانی، از مصادیق شکنجه سفید است و می‌تواند آثار مخربی بر روان زندانی داشته باشد.

۳-۳- نقاط ضعف نظام حقوقی ایران در برخورد با شکنجه سفید

۱. **فقدان تعریف دقیق**
 - قوانین ایران تعریف جامعی از شکنجه سفید ارائه نداده‌اند.
 - عدم تعریف، موجب تفسیرهای متفاوت و کاهش شفافیت در اجرای قوانین می‌شود.
۲. **نقص در جرم‌انگاری**
 - ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی فقط به شکنجه جسمی اشاره دارد و شکنجه روانی را شامل نمی‌شود.
 - این نقیصه می‌تواند به تداوم اعمال شکنجه سفید کمک کند.
۳. **نبود ضمانت اجرای کافی**
 - قوانین مرتبط با منع شکنجه سفید ضمانت اجرایی قوی ندارند و عمدتاً جنبه ارشادی دارند.

۴. مشروعیت حبس انفرادی

- تجویز حبس انفرادی در برخی قوانین داخلی، زمینه‌ساز اعمال شکنجه سفید است.

۳-۴- راهکارها برای مقابله با شکنجه سفید

۱. اصلاح قوانین

- تدوین قانون جامع منع شکنجه که شامل تعریف دقیق شکنجه سفید و ضمانت‌های اجرایی قوی باشد.

- جرم‌انگاری صریح و دقیق شکنجه‌های روانی در کنار شکنجه‌های جسمی.

۲. آموزش و نظارت

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات، مأموران پلیس و ضابطان قضایی درباره ممنوعیت شکنجه سفید.

- ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای نظارت بر بازداشتگاه‌ها و رفتار مأموران قضایی.

۳. الحاق به کنوانسیون منع شکنجه

- پیوستن به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز می‌تواند به تقویت تعهدات بین‌المللی ایران در این زمینه کمک کند.

۴. تدوین آیین‌نامه‌های حمایتی

- تنظیم آیین‌نامه‌های شفاف درباره حقوق متهمان و زندانیان، به‌ویژه در مورد شکنجه روانی.

۵. توسعه فرهنگی

- ایجاد بستر فرهنگی مناسب برای افزایش حساسیت جامعه نسبت به موضوع شکنجه سفید.

- ترویج گفتمان حقوق بشری در رسانه‌ها و محافل علمی.

○

۴- نتیجه گیری

شکنجه سفید به عنوان یکی از اشکال پیچیده و پنهان نقض حقوق بشر، تأثیرات مخرب و بلندمدتی بر سلامت روانی و اجتماعی قربانیان دارد. برخلاف شکنجه‌های جسمی، آثار این نوع شکنجه غالباً نامرئی بوده و به سختی قابل اثبات است، اما پیامدهای آن از نظر روانی و اجتماعی می‌تواند بسیار عمیق‌تر باشد. این نوع شکنجه، که شامل رفتارهایی چون حبس انفرادی طولانی مدت، محرومیت‌های حسی و روانی، و اعمال فشارهای روانی شدید است، در تضاد مستقیم با اصول بنیادین حقوق بشر و کرامت انسانی قرار دارد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۸ قانون اساسی صراحتاً هرگونه شکنجه، اعم از جسمی و روانی، را ممنوع کرده و چنین رفتارهایی را مغایر با کرامت انسانی می‌داند. با این حال، بررسی قوانین داخلی نشان می‌دهد که سازوکارهای قانونی و اجرایی برای مقابله با شکنجه سفید ناکافی است. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، که مهم‌ترین مقرر قانونی در این زمینه است، تنها به شکنجه‌های جسمی اشاره دارد و از جرم‌انگاری شکنجه‌های روانی غفلت کرده است. سایر قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط، مانند قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، نیز با وجود ارائه مصادیقی از شکنجه سفید، فاقد ضمانت اجرایی قوی هستند.

مقایسه تطبیقی با اسناد بین‌المللی حقوق بشری، از جمله کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران نیازمند اصلاحات بنیادین در زمینه مقابله با شکنجه سفید است. این اسناد، به طور صریح هرگونه شکنجه، اعم از جسمی و روانی، را ممنوع کرده و دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری و مجازات موارد نقض ملزم می‌کنند. الحاق ایران به این کنوانسیون‌ها و تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند گام مهمی در تقویت حمایت از حقوق بشر و پیشگیری از شکنجه سفید باشد.

برای مقابله مؤثر با شکنجه سفید و تقویت نظام حقوقی در این زمینه، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. **تدوین قانون جامع منع شکنجه:** تعریفی دقیق و جامع از شکنجه سفید در کنار شکنجه جسمی ارائه شود و تمامی اشکال آن جرم‌انگاری گردد.
۲. **اصلاح قوانین موجود:** ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه‌های مرتبط با زندان‌ها باید به گونه‌ای اصلاح شوند که شکنجه روانی را نیز شامل شوند.

۳. **تقویت ضمانت‌های اجرایی:** مجازات‌های بازدارنده برای مرتکبان شکنجه سفید و سازوکارهای حمایتی برای قربانیان، از جمله درمان روان‌شناختی و جبران خسارت، پیش‌بینی شود.
۴. **افزایش نظارت:** نهادهای مستقل نظارتی برای پایش بازداشتگاه‌ها و رفتار مأموران قضایی ایجاد شوند.
۵. **آموزش و فرهنگ‌سازی:** آگاهی‌بخشی به مقامات قضایی، مأموران پلیس و جامعه در مورد ممنوعیت شکنجه سفید و اهمیت حفظ کرامت انسانی از طریق دوره‌های آموزشی و رسانه‌ها.
۶. **الحاق به کنوانسیون منع شکنجه:** پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌تواند تعهدات حقوقی و اخلاقی ایران در مقابله با شکنجه را تقویت کند. در نهایت، مبارزه با شکنجه سفید نیازمند یک رویکرد چندوجهی است که شامل اصلاح قوانین، ارتقای نظارت، افزایش آگاهی و تقویت تعهدات بین‌المللی باشد. تنها از طریق این اقدامات می‌توان از کرامت انسانی حفاظت کرد و نظام قضایی را به اصول عدالت و حقوق بشر نزدیک‌تر ساخت.

منابع

- ۱- ساعیان، جواد، (۱۳۸۸). بررسی مبانی شکنجه سفید در منابع شیعه و حقوق موضوعه. نشریه گفت‌مان حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۱۵-۱۶، صفحه ۷۳.
- ۲- حمزه شلمزاری، زهرا؛ جزایری، سیدعباس، (۱۴۰۰). شکنجه سفید در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی، تهران.
- ۳- حمزه، ق، (۱۳۸۷). بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال پنجم، شماره ۱۴، صفحه ۸۸-۶۷.
- Mausfeld, R., (2009). "Psychology, 'white torture' and the responsibility of scientists", *Psychologische Rundschau*, 60, pp. 229-240.
- Nowak, M. & McArthur, E., (2008). *The United Nations Convention against Torture: A Commentary*. Oxford: Oxford University Press.
- Richter-Montpetit, M., (2014). "Beyond the erotics of orientalism: Lawfare, torture and the racial-sexual grammars of legitimate suffering", *Security Dialogue*, 45(1), pp.43-62.
- Campbell, T.A., (2007). "Psychological assessment, diagnosis, and treatment of torture survivors: A review", *Clinical Psychology Review*, 27(5), pp. 628-641.
- Beck, E.M. and Tolnay, S.E., (2019). "Torture and Desecration in the American South, an Exclamation

- Point on White Supremacy, 1877–1950”, *Social Currents*, 6(4), pp. 319–342.
- De Weck, F., (2016). *Non-refoulement under the European Convention on Human Rights and the UN Convention against Torture: The Assessment of Individual Complaints by the European Court of Human Rights under Article 3 ECHR and the United Nations Committee against Torture under Article 3 CAT* (Vol. 6). Brill.
- Baolu, M. (Ed.), (2017). *Torture and Its Definition in International Law: An Interdisciplinary Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Klayman, B.M., (1978). “Definition of Torture in International Law”, *Temp. L.Q.*, 51, p. 449.
- Draper, G.I.A.D., (1989). “Implementation of the European Convention on Human Rights, 1950”, *Israel Yearbook on Human Rights*, Volume 2 (1972), pp. 99–120. Brill Nijhoff.
- Leach, J., (2016). “Psychological factors in exceptional, extreme and torturous environments”, *Extreme Physiology & Medicine*, 5, pp. 1–15.